داشتند و شریعت را خوار و حقیر شمردند و علماء و فقهاء اسلام را دشمن داشتند و بر مقتضای
طبع و ارادت خود سخنها گفتند بر خلاف شرع الی قوله و گفتند که بر گردم و بار همنشین بعد دن
بر آنکه با عالم و فقیه حقیقت سعادت و شقاوت منعلق است بنظر پیر هر کرا پیر قبول کرد
سعادت ابدی یافت و هر کرا پیر دور کرد بشقاوت درماند و جماعتی از ایشان گفتند
مصحفها باید شست که سخن پیر ما نبیدست و طائفه می گفتند از نماز چه فائده حاصل می آید
و درسا آنها که نماز گذارد بدیه بدست آمده و در وقت نماز خود را بالفکر مشغول کنند و تفکر
خود را بر فریضه نماز تفضیل نهند و علوم دینی را حجاب راه گویند انتهی کلامه و فی الروح علی
اهل الهواء والبدع القرامطة هم الذین ینکرون ظاهر الشریعة و یدعون
بواطنها انتهی کلامه پس این طائفها را پیش از توبه بکشند بعد از توبه نیز بکشند چه این
نوع مردم از اعتقاد فاسد خویش نتوانند بر گشتن و کفر صریح را نتوانند ماندن و در
رد البدع آورده است بدانکه مذهب صوفیان و فقیهان متابعت سنت یکی او مخالفت
میان ایشان نیست هر که مخالفت گوید افترا میکند دین خدای را بهم میزند الصافیه
و من ادعی محبة الله و خالف سنة رسول الله فهو کذاب و کتاب الله یکذبه
ایضاً فیه من انتهر صاحب بدعة ملأ الله قلبه ایمانا و من عاصا حب بدعة
او لقیه بالبشر فقد استخف بما انزل الله علی محمد صلی الله علیه وسلم و عن
سفیان الثوری من اصغی سمعه الی صاحب بدعة خرج من عصمة الله
الی قوله دیگر قول اهل بدعت آنست که میگویند ما از شریعت بگذری بطریقت نرسی
و تا از طریقت نگذری بحقیقت نرسی و این قدر نمیدانند که هر که از شریعت گذارد کرد کافر
گشت و کافر چه طور بحقیقت رسد پس اهانت ایشان باید کرد و از صحبت ایشان احتراز
باید نمود الی قوله دیگر قول ایشان آنست که میگویند فلان کس را ملکی بخشیدم و فلان کس را زخمی
زدم و فلان کس را نواختم و فلان کس را معزول ساختم بدانکه و درین سخن دعوی الوهیت کنند
زیرا که نفع و ضرر و خیر و شر تعلق بخدای دارد تؤتی الملک من تشاء و تنزع الملک
ممن تشاء و الی قوله و هر که تصدیق دارد و اقرار دارد و عمل تن دارد و لیکن عمل بمتابعت
سنت نمیکند مبتدع است مبتدعان سگان اهل دوزخ باشند چنانکه رسول علیه الصلاة و
السلام فرمود اهل البدع کلاب اهل النار الی قوله لا یصل العبد مادام عاقلا بالغا

فلان را بکشتم و فلان را نواختم و فلان را معزول کردم